مطالعات اسلامی زنان و خانواده
دوفصلنامه علمی- پژوهشی
سال هشتم- شماره چهاردهم
بهار و تابستان ۱۴۰۰

بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک)

خدیجه اسکندری نژاد[۱]
علی فتحی آشتیانی[۲]

چکیده:

نرخ طلاق در سال‌های گذشته به‌طور چشمگیری افزایش‌یافته‌است. مقاله حاضر با توجه به دستاوردهای پژوهش‌های انجام گرفته طی دهه اخیر، به دنبال یافتن مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق در ایران است. نوع مطالعه، مروری سیستماتیک بر مطالعات ثبت‌شده در دهه اخیر (از سال ۹۰ تا ۹۸) درباره علل و عوامل طلاق است. بدین‌منظور، در پایگاه‌های اطلاعاتی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و پرتال جامع علوم انسانی (Ensani)، با کلیدواژه‌های علل و عوامل طلاق، جستجو صورت گرفت که حاصل آن ۹۰ مقاله بود. با کنارگذاشتن مقالات تکراری و کمتر مرتبط در دوره زمانی مشخص، ۴۱ مقاله، شرایط حضور در این تحقیق را دارا بودند.

یافته‌ها نشان داد که عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت‌شناختی و جسمی) و عوامل فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، قانونی و موقعیتی در ایجاد طلاق نقش دارند. به‌علاوه، توجه به آمادگی‌های درونی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده نیز مزید علت شده و باعث افزایش روزافزون طلاق گردیده است. افزون‌برآن، فرهنگ و عوامل شخصی و شخصیتی نشأت گرفته از فرهنگ را می توان به عنوان عامل مستعدساز، در رأس عوامل پدیدآورنده طلاق به شمار آورد.

براساس نتایج به دست‌آمده، عوامل زمینه‌ساز (فرهنگ و فاکتورهای شخصی و شخصیتی ناشی از فرهنگ)، از مهمترین عواملی است که می‌توان با اصلاح آنها، سیر پیشرفت طلاق را کاهش داد و امید به پایداری و ثبات در زندگی زناشویی را بالابرد. عواملی مثل روابط نادرست بین زوجینی و اقتصاد، از نوع آشکارساز بوده و درنهایت، قوانین و عوامل موقعیتی را تداوم‌بخش آن دانسته که در به نتیجه رساندن زوجین به طلاق مؤثر است.

واژگان کلیدی: طلاق، عوامل فرهنگی، عوامل بین زوجینی، عوامل مستعدکننده، عوامل آشکارسازنده، عوامل تداوم بخش، مرور سیستماتیک.

---

۱. طلبه سطح۳، فقه و اصول و مدرس جامعه الزهرا(س)، دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی(ره) eskandary.hadis@gmail.com
۲. دانش آموخته دکتری روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله ﷺ، مدرس دانشگاه، مشاور و پژوهشگر afa1337@gmail.com
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۲/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۸

مقدمه

امروزه نهاد خانواده با مشکلات زیادی مواجه شده و کارشناسان، خانواده را به عنوان نهادی آسیب‌پذیر می‌دانند. هیچ دورانی همانند عصر حاضر، خطر انحلال کانون خانواده و عوارض ناشی از آن را به خود ندیده است. این از یک جهت، نشان‌دهنده قدمت معضلات مناسبات زن و مرد در قالب خانواده و از دیگر سو، دلیلی است بر این که در گذشته، خانواده از استحکام بیشتری برخوردار بوده و شرایط درهم‌ریزی و انحلال خانواده، در عصر حاضر حاد شده است (ایوت، ۱۳٦٦). همچنین اگر جامعه‌ای به سوی افزایش طلاق پیش رود، حتماً در آستانه بحران قرار می‌گیرد.

آمارهای ارائه‌شده نشان می‌دهد که ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷، حدود ۳۷/۶ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این درحالی است که جمعیت افرادِ در سن ازدواج در کشور بیشتر شده است. در همین زمان، طلاق ۵۸/۳۲ درصد رشد یافته که حاکی از روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در کشور است. همچنین یافته‌های آماری نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷، از ۱۲/۵ به ۳۱/۷۷ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که علامت بدترشدن این شاخص در کشور است. تعداد رویداد طلاق در برابر ۱۰۰ رویداد ازدواج در زمان معین (به طور مثال در سال ۹۷ در مقابل ۱۰۰۰ ازدواج، ۳۱۸ طلاق) اتفاق افتاده است. آمارهای مربوط به تعداد ازدواج به ازای یک طلاق نیز بازگوکننده شرایط نگران‌کننده در کشور است. در سال ۱۳۸۷، به ازای هر ۸ ازدواج یک طلاق صورت‌گرفته که در سال ۱۳۹۷، به ازای هر ۳/۱ ازدواج، یک طلاق صورت گرفته است. میزان عمومی طلاق هم از ۱/۵ در سال ۱۳۸۷ به ۳/۱ در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۷ رسیده است. در حقیقت، در سال ۱۳۹۷ ، ۱۷۴ هزار و ۵۹۸ مورد طلاق ثبت شده است و در سال ۹۷ و ۹۸، ۵۵۰ هزار و ۵۶۵ رویداد ازدواج، به تعداد ۱۷۵ هزار و ۶۱۴ رویداد طلاق در سال ۹۷ تا تیرماه ۹۸ ثبت شده است (سازمان ثبت احوال کشور).

سؤال اینجاست که چرا زمانی زوجینی با اشتیاق و عشق وافر به یکدیگر برای رسیدن به خوشبختی، اقدام به ازدواج کرده و زمانی دیگر، طلاق و جدایی از همدیگر را تنها راه علاج مشکلات خود می‌دانند؟ چه عامل یا عواملی، این انقلاب را ایجاد کرده است؟

پدیده خطرناک و پیچیده طلاق، زیان‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند. این پدیده، ابعاد متعدد و متنوعی دارد که بررسی آن را پیچیده و با چالش مواجه ساخته است. طلاق، پدیده‌ای روانی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی، فرهنگی اجتماعی، حقوقی و فقهی تلقی می‌شود (کریمی، ۱۳۹۴). علاوه بر ماهیت چند بعدی طلاق، باید گفت علل و ریشه‌های شکل‌گیری آن نیز به صورت شبکه‌ای از عوامل است.

در این رابطه، ساروخانی در کتاب خود «طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن» می‌نویسد: «همه پدیده‌های اجتماعی، چندین عامل دارند. طلاق نیز در این مجموعه مستثنی نیست. همه پدیده‌های اجتماعی دارای علل و عوامل عینی و ملموس و کمّی هستند و در عین حال، از عوامل ذهنی و کیفی نیز برخوردارند». (ساروخانی، ۱۳۷۷).

مرور تحقیقات انجام شده و بررسی عمیق‌تر این مسئله می‌تواند ما را در درک صحیح و جامع‌تر علل طلاق و نیازمندی‌ها برای واکاوی بهتر آن یاری رساند. براین اساس، پژوهش حاضر در صدد است تا با واکاوی دقیق‌تر مقالات انجام شده طی دهه اخیر (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸)، مؤثرترین علل طلاق در خانواده‌های ایرانی بررسی کرده تا براساس نتایج به‌دست‌آمده، ضمن شناسایی خانواده‌های در معرض خطر طلاق، راهکارهای پیشگیرانه برای برون‌رفت از این مشکل را به خانواده‌ها و دست‌اندرکاران ارائه دهد.

روش

تحقیق حاضر از نوع مرور سیستماتیک است و با توجه به هدف اصلی پژوهش، از این روش می‌توان به صورت نظام‌دار و علمی به کلیه عوامل طلاق دست یافت.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه مقالات علمی- پژوهشی منتشرشده در فاصله زمانی ده سال اخیر (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸) است که عوامل طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین‌منظور، مقالات طلاق تا حد اشباع از پایگاه‌های معتبر مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags) و بانک اطلاعات نشریات کشور(Magiran) و پرتال جامع علوم انسانی (Ensani)، با کلیدواژه‌های علل، عوامل و اسباب طلاق استخراج شد. تعداد

مقالات با کنارگذاشتن مقالات تکراری و کمتر مرتبط در فاصله زمانی محدود (از سال ۱۳۹۰ به بعد)، از ۹۶ سند به ۴۱ مقاله با بیشترین ارتباط محتوایی با موضوع تحقیق انتخاب شد تا بررسی‌های لازم روی آنها انجام شود. مراحل طی‌شده، در نمودار ذیل ترسیم شده است:

نمودار ۱. روند انتخاب مقالات

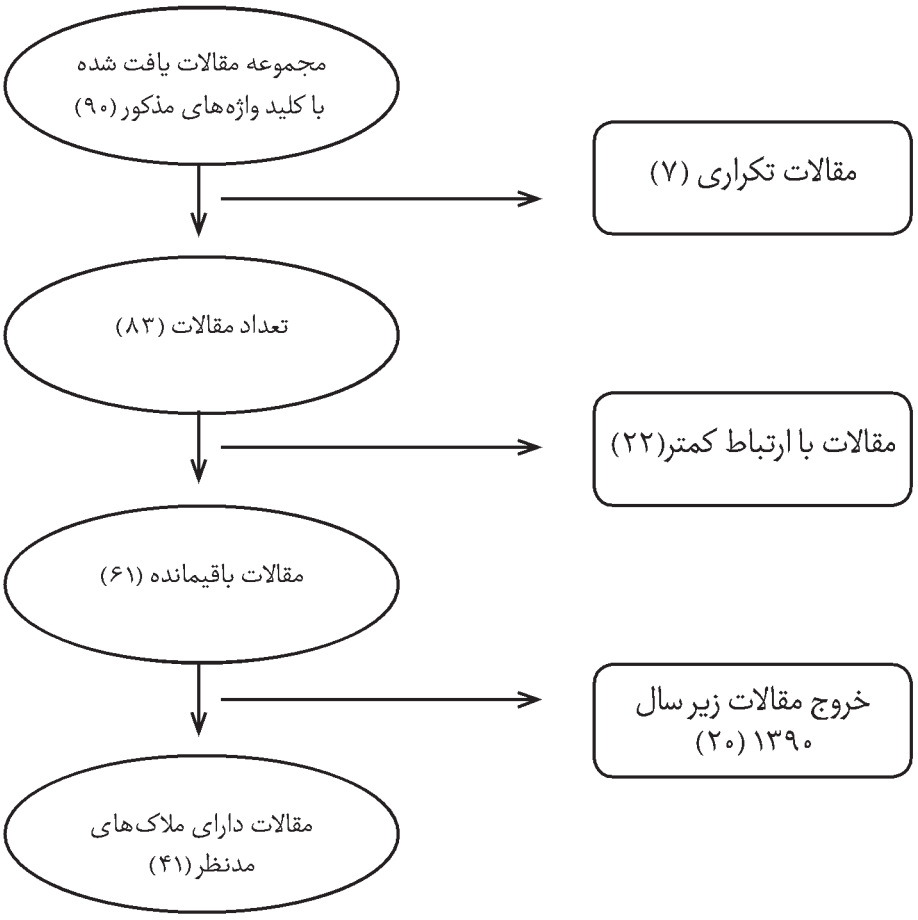

یافته‌ها:

از ۴۱ مقاله منتخب، عوامل مؤثر بر طلاق، استخراج و خلاصه‌ای از آن در جدول شماره ۱ آمده است. در این جدول، ضمن معرفی نویسنده و روش تحقیق (روش، جامعه، نمونه و ابزار استفاده شده)، علل و عوامل اثرگذار در طلاق بیان گردیده‌است.

جدول۱: خلاصه مقالات علل و عوامل طلاق

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۱	بشلیده و یوسفی (۱۳۹۰)	روش: همبستگی جامعه: زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر سنندج نمونه: ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق و ۱۲۵ زوج عادی ابزار: پرسشنامه خوش‌بینی- بدبینی، باورهای مذهبی	بدبینی بالا، تفاوت سنی، تفاوت میزان سواد و درآمد، بیکاری مرد، مدت ازدواج
۲	حاجیان‌مقدم (۱۳۹۳)	روش: اسنادی از نوع فراتحلیل نمونه: ۶۴ اثر پژوهشی مرتبط با عوامل مؤثر بر خانواده (تا رسیدن به اشباع)	تعاملات خانوادگی، سلامت جسمی و روحی، رشد فردی، شیوه اداره‌زندگی، امور اقتصادی، محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه، اختلاف سنی زوجین، مدت زناشویی
۳	بیرامی و جلالی(۱۳۹۰)	روش: توصیفی (علی مقایسه‌ای) نمونه: ۶۶ زن و مرد عادی و ۶۶ زن و مرد متقاضی طلاق (مراجعین سال ۱۳۸۹ به دفاتر طلاق با نمونه‌گیری دردسترس) ابزار: پرسش‌نامه چند محوری میلون (MCMI-III) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از واریانس دوطرفه	ویژگی‌های شخصیتی مثل بدبینی، عزت نفس پایین، تمایل به نگرانی بی‌مورد، اجازه سوءاستفاده دادن به دیگران، پذیرفتن تقصیرات به دلیل خودانکاری عمدی و انزواطلبی و مبتلایان به اختلال اجتنابی، وابسته، وسواسی جبرانی

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۴	نجفی، زارعی مته کلابی، بی‌طرف، محمدی‌فر (۱۳۹۴)	روش: توصیفی (علی مقایسه‌ای) جامعه: زنان دارای پرونده طلاق در واحد مشاوره دادگستری سمنان از شهریور تا اسفند ۱۳۹۱ و زنان متأهل عادی نمونه: ۱۰۰ زن متقاضی و ۵۰ زن عادی (با نمونه‌گیری دردسترس) ابزار: آزمون بالینی چندمحوری میلون و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ	شخصیت مرزی و ضد اجتماعی
۵	رازقی و اسلامی (۱۳۹۴)	روش: تئوری زمینه‌ای نمونه: ۲۰ نفر از افراد ۲۳ تا ۴۵ ساله با تحصیلات دیپلم تا کارشناسی ارشد در قائمشهر (نمونه‌گیری نظری و هدفمند) ابزار: مصاحبه کیفی عمیق	عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بیکاری و نداشتن درآمد، درآمدکم، عدم ثبات شغلی
۶	نصراللهی، غفاری گولک، پروا(۱۳۹۲)	روش: داده‌های تابلویی ابزار: - نمونه: -	توسعه شهرنشینی پدیدآورنده تغییرات فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری، افزایش جرم و جنایت، تحصیلات و اشتغال زنان
۷	زارعی‌توپخانه، میردریکوندی (۱۳۹۵)	روش: همبستگی نمونه: ۲۶۲ زن و مرد متقاضی طلاق در کرمانشاه سال ۱۳۹۱ ابزار: پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی، مقیاس تک‌گویه‌ای تماشای ماهواره و پرسشنامه ۱۶ سؤالی طلاق	ضعف پایبندی به مذهب و تماشای ماهواره

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۸	اسحاقی (۱۳۹۴)	روش: توصیفی نمونه: - ابزار: -	عوامل قانونی: وجود برخی قوانین ازدواج و طلاق؛ روان‌شناختی: ناپختگی و عدم بلوغ اجتماعی، ابتلاء به اختلالات عاطفی و روانی؛ اقتصادی: فقر، بیکاری؛ ارتباطی: خشونت و بدرفتاری مردان، همسر جدید، دخالت‌های دیگران، عدم تعلق خاطر زن و مرد به‌هم، افزایش آگاهی زنان از حقوق خود، نگاه مردسالارانه جامعه نسبت به زنان و دختران، عدم همسانی در ازدواج، تشریفات ازدواج، بیماری روانی شدید و برطرف‌نشدن نیاز جنسی یکی از زوجین، نگرش مثبت به طلاق، روابط جنسی خارج از خانواده، عدم شناخت‌کافی زوجین از یکدیگر، عدم درک تفاوت‌ها، اعتیاد
۹	رضادوست، شهریاری، نبوی، مجتهدزاده (۱۳۹۵)	روش: تحلیل مسیر جامعه: زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شهرستان اهواز نمونه: ۱۶۵ نفر (نمونه‌گیری زمانی و در دسترس) ابزار: پرسشنامه گرایش به طلاق	برآورده نشدن انتظارات زوجین، دخالت دیگران، طلاق والدینی، ضعف در دینداری، فردگرایی، فشار مالی، پنداشت فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود، میزان طول زندگی مشترک
۱۰	احمدی (۱۳۹۶)	روش: پیمایشی با تحلیل خوشه‌ای جامعه: زنان متأهل تهران در مناطق ۲۲گانه در تابستان سال ۱۳۹۳ (تعداد تقریبی: ۱/۵ میلیون نفر) نمونه: ۱۲۰۰ زن متأهل تهرانی (نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای) ابزار: پرسشنامه	غفلت از خواست‌های همسر، ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش، ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۱۱	ساروخانی، قاسمی(۱۳۹۳)	روش: توصیفی تحلیلی جامعه: متقاضیان طلاق توافقی و غیرتوافقی در دادگاه‌ها (۱۳۹۰) نمونه: ۳۶۹ نفر از زوجین متقاضی طلاق توافقی و ۱۶۵ نفر از زوجین متقاضی طلاق غیرتوافقی در کرمانشاه (در دسترس) ابزار: پرسشنامه سلامت روان و مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده چند بعدی	در طلاق توافقی: دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، بدبینی، اعتیاد، تنفر و عدم علاقه، خیانت، درآمد ناکافی، بیماری روانی، نارضایتی جنسی، بیکاری شوهر در متقاضیان غیرتوافقی: اعتیاد، بی‌توجهی، دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغگویی، روان مختل (علائم جسمانی، اضطراب، افسردگی و اختلال در عملکرد اجتماعی)
۱۲	یوسفی افراشته، شمخانی، صدرالاشرافی، خنکدار طارسی (۱۳۹۱)	روش: توصیفی (پیمایشی) جامعه: دست‌اندرکاران فعالیت‌های میدانی، قضات، صاحبنظران و کارشناسان آگاه به مسائل طلاق کشور نمونه: ۲۵ نفر از قضات دادگاه خانواده، اساتید جامعه‌شناسی و حقوق، کارشناسان دادگستری استان همدان ابزار: پرسشنامه ۸۳ ماده‌ای محقق ساخته	عوامل فردی و شخصیتی: عدم تفاهم اخلاقی، تعارضات فکری زوجین، نبود محبت و روحیه از خودگذشتگی، بدرفتاری (قهر و خشونت)؛ اقتصادی: بیکاری مرد، نپرداختن نفقه، استقلال مالی زنان، نداشتن مسکن، ورشکستگی و بدهکاری؛ اجتماعی: ازدواج بدون برنامه‌ریزی، اعتیاد زن یا مرد، توقعات نابجای زوجین از یکدیگر، فقدان مهارت‌های زندگی، عدم رعایت اصول اخلاقی، اجتماعی(مداخله خانواده‌ها، ازدواج‌های تحمیلی و سنت‌های غلط، چندهمسری، سابقه دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج، نبودن فرهنگ گفتگو بین خانواده‌ها)

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۱۳	رضائیان، معصومی، حسینیان (۱۳۹۶)	روش: توصیفی (پس‌رویدادی) جامعه: زوج‌های متقاضی طلاق (توافقی) مراجعه کننده در ۶ ماه اول ۱۳۹۴ به دادگاه خانواده استان قم و زوجین عادی نمونه: ۱۰۰ زوج متقاضی طلاق و ۷۰ زوج عادی ابزار: پرسشنامه تجدید نظر شده تمایز یافتگی اسکوون و اسمیت (DSI-R)، مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین کریستین و سالاوی (CPQ) و پرسشنامه رضایت جنسی (SSQ)	الگوهای ناکارآمد ارتباطی (اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیر)، رضایت جنسی پایین
۱۴	شکربیگی، احمدی، ابراهیمی منش (۱۳۹۵)	روش: کیفی (زمینه‌ای) نمونه: ۴۰ نفر از زنان طلاق‌گرفته یا در معرض طلاق ابزار: مصاحبه	شرایط علی: باورها و پندارهای غیرواقعی از زندگی زناشویی، عدم آمادگی برای ورود به زندگی زناشویی، شرایط مداخله‌گر: ازدواج زودهنگام و بی‌تدبیری در امر زناشویی، فقدان فهم کافی از دنیای مردانه؛ پدیده مرکزی: پروراندن دنیای شگفت‌انگیز زناشویی در ذهن
۱۵	اسکندری، درودی (۱۳۹۵)	روش: توصیفی- همبستگی جامعه: جوانان متاهل استان خراسان شمالی بین ۱۵ تا ۲۹ سال نمونه: ۳۸۴ نفر (نمونه‌گیری در دسترس) ابزار: پرسشنامه تعارض زناشویی ثنایی، گرایش به طلاق روزولت و همکاران، مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی برگن و پرسشنامه محقق ساخته درباره میزان و ابعاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی	وابستگی به شبکه‌های اجتماعی: کاهش همکاری بین آنها، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه‌فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباطات مؤثر.

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۱۶	صباغی، صالحی، مقدم‌زاده (۱۳۹۶)	روش: کیفی بر پایه پدیدارشناسی نمونه: ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با زنان و مردان متأهل یا دارای تجربه تأهل در قم و تهران ابزار: مصاحبه	اختلالات در روابط جنسی، چالش های روانی و اخلاقی، چالش‌های عاطفی و جنسی، چالش‌های اقتصادی، افزایش توقعات و انتظارات مادی، اشتغال زنان (در صورت افراطی یا هدف‌بودن)، چالش‌های فناوری نوین اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره
۱۷	نریمانی، شیخ‌الاسلامی، صمدی‌فرد، میکائیلی (۱۳۹۵)	روش: توصیفی (همبستگی) نمونه: ۱۲۰ نفر (۶۰ زن و شوهر) شهر اردبیل در سال ۱۳۹۴ ابزار: مقیاس اجتناب شناختی CAQ (سکستون و داگاس، ۲۰۰۴)، مقیاس باور فراشناختی (ولز و کارت رایت هاتون، ۲۰۰۴) و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن	اجتناب شناختی بالا (واپس‌رانی افکار، جانشین‌افکار، حواس‌پرتی، اجتناب از موقعیت، تبدیل تصور به فکر)، باورفراشناختی بالا (فکرکردن به تفکر خود، آگاهی و نظارت بر یک فکر)، فقدان اعتماد و احترام و محبت به یکدیگر
۱۸	حسنی، هدایتی، محمدزاده (۱۳۹۶)	روش: کیفی فراتحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در ۱۴ پایان‌نامه، مقاله علمی و طرح پژوهشی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴	تغییرات وسیع ساختاری و اجتماعی در سطح کلان (فردگرایی)، تغییرات ارزشی در سطح میانی (سلطه ارزش‌های فرامادی). عوامل مؤثر در نگرش مثبت به طلاق: سطح بالای تحصیلات، استفاده از اینترنت و داشتن ماهواره، طبقه اجتماعی سطح بالا، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی همسران، تعارض در خانواده، کم‌رنگی نقش اقتصادی مرد و کوچک‌شدن ابعاد خانواده، پایبندی کمتر به مذهب، فردگرایی

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۱۹	کلانتری، روشنفکر، جواهری (۱۳۹۰)	روش: مروری نمونه: انتخاب ۲۸ مورد از ۱۴۰ سند (مقاله و پایان نامه)	اجتماعی: سن ازدواج و اختلاف سنی، سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین، مسائل خانوادگی، سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم، برآورده‌نشدن انتظارات، تعداد فرزندان، تفاوت عقاید زوجین، ازدواج اجباری، خشونت خانوادگی، تأثیر مذهب و سنت، بی‌اعتمادی زوجین به همدیگر، مشکلات جنسی؛ روانشناختی: اختلالات روانی، ضعف در مهارت‌های رفتاری، مشکلات تمایز نایافتگی، سبک دلبستگی؛ اقتصادی: مشکلات مالی، نوع فعالیت و شغل، صنعتی‌شدن و شهرنشینی، نفقه و مهریه
۲۰	صادقی (۱۳۹۵)	روش: کمّی (تحلیل داده‌های ثانویه) نمونه: ۱۹۱۳۷۰ نفر جوان مزدوج ۱۵-۲۹ ساله، تعداد ۱۸۸۴۳۳ نفر دارای همسر و ۲۹۳۷ نفر طلاق‌گرفته ابزار:-	طلاق در مناطق شهری دو برابر مناطق روستایی و برای زنان، دو برابر مردان است و عوامل مهم: وجود مؤلفه‌های مدرن جامعه‌شهری و تابوی کمتر و پذیرش بیشتر طلاق در شهرها، سطح تحصیلات پایین، بیکاری و بی‌ثباتی شغلی جوانان متأهل، استقلال مالی زن
۲۱	بحرانی (۱۳۹۲)	روش: پیمایشی نمونه: اطلاعات مورد نیاز به صورت اسنادی از تارنمای سازمان ثبت احوال کشور و سالنامه‌های آماری منتشره از سوی مرکز آمار ایران (از سال ۱۳۴۵ تاکنون)	وضعیت اقتصادی، تحولات فرهنگی و اجتماعی، کم‌رنگ‌شدن سنت‌ها و نگاه‌های جدید به نقش زن و مرد، تغییرات ناشی از صنعتی‌شدن جوامع، افزایش ارتباطات جمعی و رشد تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و اینترنتی، الگوپذیری جوامع کمتر پیشرفته از جوامع مدرن

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۲۲	زارعان (۱۳۹۶)	روش: فراتحلیل جامعه: ۷۰ مقاله و ۳۸ پایان‌نامه فارسی ثبت‌شده در دهه اخیر نمونه: ۱۴ مقاله با موضوع بررسی عوامل مؤثر بر طلاق	اثر بیشتر عوامل اجتماعی و فرهنگی نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی. از میان عوامل اجتماعی، ضعف زوجین در میزان کیفیت روابط اجتماعی با ۴۰٪ و متغیر مشارکت اجتماعی با ۴۰٪ بیشترین نقش در ناپایداری زندگی زناشویی
۲۳	کریمی (۱۳۹۴)	روش: توصیفی نمونه:- ابزار:-	عوامل قانونی: قانون حق حبس مرد برای عدم پرداخت مهریه و قانون عدم ایفای نقش زن در صورت تسلیم نشدن مهریه؛ عوامل روان‌شناختی: عدم بلوغ اجتماعی، توقعات بی‌جا، ابتلا به اختلالات عاطفی و روانی؛ عوامل اقتصادی: فقر، بیکاری، بیماری و غیره؛ عوامل ارتباطی: ارتباط با خویشان همسر و نگرش متقابل آنها نسبت به هم؛ سایر عوامل: اعتیاد، بیماری، بدرفتاری مردان، ناباروری، چندهمسری، عدم تعلق خاطر زن و مرد به همدیگر، اختلاف سلیقه بین زوجین، نگاه مردسالارانه جامعه نسبت به زنان، عدم همسانی در ازدواج، تشریفات ازدواج، برطرف‌نشدن نیاز جنسی یکی از زوجین، روابط جنسی خارج از سیستم خانواده، عدم شناخت کافی زوجین به یکدیگر، عدم درک تفاوت‌ها، نگرش مثبت به طلاق، تغییرات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، فاصله طبقاتی

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۲۴	گیتی‌پسند، فرحبخش، اسمعیلی، ذکایی، سعید(۱۳۹۴)	روش: تئوری زمینه‌ای جامعه: زوج‌های متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی شهید مفتح تهران (از آبان تا اسفند۱۳۹۱) نمونه: ۱۰ زوج متقاضی طلاق ابزار: پرسشنامه رضایت‌زناشویی انریچ و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته	شرایط علی در الگوی معنای زندگی: خداباوری در عین بی‌توجهی به اعمال عبادی، برابری زن و مرد در دیدگاه زنان و تأکید مردان بر بالاتربودن جایگاه مرد، شرایط زمینه‌ای: خودآگاهی نابسنده، انعطاف‌ناپذیری و تحمیل عقاید خود؛ شرایط میانجی: باورهای غلط درباره ازدواج و همسر، کنش‌ها و تعاملات (اجتناب از گفتگو، نبرد قدرت، پنهان‌کاری، دروغ، خیانت و تنش)
۲۵	بانکی‌پورفرد، قلی‌زاده، مسعودی‌نیا (۱۳۹۴)	روش: کیفی با استفاده از پدیدارشناسی مبتنی بر الگوی تجزیه و تحلیل استیویک ـ کولایزی‌کن جامعه: مردان و زنان طلاق گرفته در سطح شهر اصفهان نمونه: ۱۶ نفر از آنها (روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی) ابزار: مصاحبه نیمه سازمان‌یافته و عمیق	عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق: کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی- دینی در ارتباط با جنس مخالف، رواج نسبیت‌گرایی در اصول اخلاقی و مذهبی، کم‌شدن وفاداری زوجین به خانواده، کم‌شدن غیرت و حیا، افزایش روابط خارج از ازدواج؛ عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی: افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، تأثیر منفی رسانه‌ها؛ ناهنجاری‌های فرد و خانواده: فقدان مهارت در انتخاب همسر، مسائل جنسی و حل مسئله و تعارض در زوجین، فرهنگ تحمیل در انتخاب همسر، سلطه‌گری در خانواده و فرهنگ اقتصادی نادرست؛ تفاوت در خرده‌فرهنگ‌ها و عدم کفویت زوجین در زمینه‌های مختلف
۲۶	محمدی (۱۳۹۶)	روش: توصیفی تحلیلی نمونه:- ابزار: -	آثار فضای مجازی: کم‌شدن گفتگو در خانواده‌ها و درنتیجه بروز مشکلات و اختلالاتی مانند افسردگی، تغییرات رفتاری و تغییر سبک زندگی، نارضایتی طرفین از زندگی و روابط عاطفی سرد و سرانجام خیانت و طلاق

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۲۷	جاویدانی (۱۳۹۳)	روش: پیمایشی جامعه: زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده شهر همدان (۸۹۵ نفر) نمونه: ۲۵۶ نفر زنان متقاضی طلاق ابزار: پرسشنامه خود اجرا	۳۷٪ از طلاق‌های درخواستی به علت خشونت خانگی بوده سن زنان، تعداد فرزندان، دیدگاه آنان نسبت به خشونت، محل سکونت و سطح تحصیلات در عدم تحمل خشونت و ایجاد انگیزه در اقدام به درخواست طلاق مؤثر بوده است.
۲۸	علی‌مندگاری، رازقی نصرآباد (۱۳۹۵)	روش: کیفی نمونه: ۴۰ زن و مرد مطلقه در شهر تهران در گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی در طبقات اجتماعی و نیز گرایش‌های مذهبی گوناگون	مشکلات اقتصادی: تورم، فقر، بیکاری، اشتغال و درآمدزایی در محیط‌ها و مسیرهای نامناسب، وابستگی مالی به خانواده‌ها، مدیریت نامناسب منابع مالی، افزایش هزینه ها، اشتغال زنان و کاهش زمان باهم‌بودن زوجین، مهریه بالای زنان
۲۹	نازک‌تبار، حبیب‌پور گتابی (۱۳۹۰)	روش: تحلیل محتوا جامعه: شامل ۱۲۱۰۱ پرونده طلاق در دادگستری استان مازندران نمونه: ۹۸۰ پرونده ابزار: پرسشنامه معکوس	به ترتیب عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و شخصیتی. تعارض‌های فکری زوجین، عدم تفاهم، وجود اختلاف‌نظر و اختلاف سلیقه بین زوجین در مسائل خانواده، عدم برآورده‌شدن انتظارات زوجین

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۳۰	فولادی، نعمتی‌گاوگانی (۱۳۹۴)	روش: توصیفی جامعه: پرونده‌های زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده شهر تبریز در سال ۱۳۹۲ نمونه: ۱۰۰ زوج (با نمونه‌گیری تصادفی)	به ترتیب: اجتماعی، شخصی- فردی، اقتصادی، فرهنگی عوامل اجتماعی: ازدواج‌های تحمیلی و نسنجیده، توقعات نابجای زوجین، ارتباط قبل از ازدواج، تفاوت‌های تربیتی و مذهبی، مداخله فامیل، اعتیاد، سنت‌های غلط، میزان مهریه، عدم رعایت اصول اخلاقی و سست‌شدن بنیان خانواده؛ فردی: عدم ابراز علاقه و محبت، ازدواج پنهانی مرد، نازایی، عدم تمکین، تفاوت زیاد سنی، ازدواج غیابی، تهمت و فحاشی، ازدواج موقت، خوشگذرانی‌های نامشروع، خیانت و معاشرت با افراد ناباب، اعمال زور و خشونت، بیماری و اختلالات روانی، عدم تأمین امنیت جانی، تنفر از یکدیگر، بیماری مستمر زن یا مرد، اختلاف سطح تحصیلات، مشکلات جنسی، اقتصادی: فقر و بیکاری، رقابت مالی، عدم پرداخت نفقه، استقلال مالی زنان، فرهنگی: عدم تفاهم فکری، عبور از جامعه سنتی به مدرن، اهانت به مقدسات مذهبی، زندانی بودن مرد، آگاهی زنان به حقوقشان، به‌روزشدن مهریه زنان، تعصب، قادر نبودن زن به ارتباط با خانواده‌اش بدون اجازه شوهر، نبودن فرهنگ گفتگو بین خانواده‌ها
۳۱	هنریان، یونسی (۱۳۹۰)	روش: توصیفی تحلیلی جامعه: کلیه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده در مناطق جنوب و شمال تهران نمونه: ۴۹۲ نفر از مراجعین برای مشاوره ابزار: پرسش‌نامه محقق‌ساخته	سن و مدت ازدواج، تحصیلات، اشتغال زنان، نبود فرهنگ استفاده از مشاوره، عدم توانایی حل اختلاف، ناتوانی در برقراری ارتباط و حل تعارض، عدم تمایز دختران از خانواده‌های اصلی، عدم ابراز عشق و احساسات، عدم رضایت از روابط جنسی

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۳۲	عباس‌زاده، سعیدی، عطایی، افشاری (۱۳۹۴)	روش تحقیق: پیمایشی همبستگی جامعه: جمعیت سه منطقه شهر زنجان نمونه: ۴۰۰ نفر (با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای) ابزار: پرسشنامه محقق‌ساخته در مورد رشد عقلانیت	جهانی‌شدن و پیامدهای مدرنیته از جمله رشد فردگرایی عاطفی و ظهور عشق‌های رمانتیک، تغییر نقش‌های سنتی از انتسابی به اکتسابی.
۳۳	رضایی، فلاح، وزیری (۱۳۹۷)	روش: توصیفی پیمایشی و روش کیفی تحلیل روایت جامعه آماری: زوج‌های طلاق‌گرفته در شهرستان یزد نمونه: نامعلوم ابزار: مشاهده و مصاحبه بالینی، مصاحبه روایی، مصاحبه ایپزودیک	میزان زیاد تفاوت عقاید، اعتیاد و استفاده از مشروبات الکلی، ناباروری یکی از زوجین، نظر مثبت به طلاق، عدم شناخت طرفین از احساسات و عقاید دیگری
۳۴	اسحاقی، محبی، پروین، محمدی (۱۳۹۱)	روش: پیمایشی جامعه: زنان متقاضی طلاق در طیف سنی جوان (۲۹-۱۵) نمونه: ۲۳۹ زن متقاضی طلاق بر حسب مناطق جنوب، شرق، غرب و شمال تهران ابزار: پرسشنامه محقق‌ساخته	کمبود سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زوجین، ناهمگونی و ناهمسانی با عدم درک صحیح طرفین از یکدیگر، نگرش‌ها و تصورات افراد از پیامدهای طلاق

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۳۵	طاهری بنچناری، آقاجانی مرساء، کلدی (۱۳۹۷)	روش: کیفی (گراندد تئوری و تحلیل داده‌ها براساس شیوه استروس و کوربین) نمونه: ۵۰ نفر از زنان مطلقه و در حال طلاق تهران در سال ۹۵ ابزار: مصاحبه	شرایط علی: اختلالات روحی- روانی همسر، ناخرسندی از روابط زناشویی و جنسی، نوع و دلایل ازدواج، عدم آمادگی برای ازدواج، عدم‌تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی، ناهمسویی در خلقیات، ذوقیات و سلائق، ناهمسان همسری و خشونت، عوامل خطرآفرین (اعتیاد، بیکاری، نازایی، شک، عدم صداقت)؛ شرایط زمینه‌ای: اقتصاد ضعیف، تداوم دوستی‌های قبل از ازدواج، کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین، سابقه طلاق در خانواده و دوستان؛ شرایط میانجی: دخالت اطرافیان، وابستگی شوهر به والدین، نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن)، تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی و تربیت اخلاقی همسران، شوهر غیر اجتماعی، دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی.
۳۶	عنایت، زارع، نجفی، اصل (۱۳۹۲)	روش: پیمایشی (همبستگی- مقایسه‌ای) جامعه: افراد متأهل بین گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ سال در نقاط شهری بوشهر (۱۳۹۰) در دو گروه افراد طلاق‌گرفته و نگرفته نمونه: ۴۰۰ نفر از بین دو گروه (نمونه‌گیری چند مرحله‌ای) ابزار: پرسشنامه و مصاحبه	داشتن بیماری خاص مؤثر در جدایی، وجود سابقه طلاق در خانواده، ارضانشدن نیازهای عاطفی، زمینه پایبندی دینی کمتر، تأثیرپذیری زیاد از گروه دوستان، همسان همسری و تفاهم زناشویی کمتر، کم‌اعتمادی به همسر

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۳۷	محمدپناه، شیرزاد (۱۳۹۳)	روش: پیمایشی جامعه: زنانی که حکم طلاق آن‌ها صادر شده است. نمونه: ۴۵۰ نفر از سه طبقه اجتماعی (هر طبقه ۱۵۰ نفر) ابزار: پرسشنامه محقق‌ساخته براساس مبانی نظری	در طبقه اجتماعی پایین: مشکلات اقتصادی (بیکاری و ندادن نفقه)، طبقه متوسط: تفاوت‌های فرهنگی (عدم شناخت و درک یکدیگر به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تحرک طبقاتی و اجتماعی بالا)؛ طبقه بالا: عدم تفاهم و توافق اخلاقی (ناسازگاری شخصیتی و رفتاری، عدم توافق در مسائل جنسی)
۳۸	فاتحی، اخلاصی (۱۳۹۲)	روش: تحلیل اطلاعات ثانوی جامعه: زوجین متقاضی طلاق در استان اصفهان (سال ۸۴) و اطلاعات موجود در ۲۸۹۱ پرونده موجود در سازمان بهزیستی ابزار: پرسشنامه‌ی معکوس، بر مبنای نظرات افراد متخصص	۲۷ علت: از جمله عدم تفاهم اخلاقی، اعتیاد، دخالت اطرافیان، فرزندپروری استبدادی، آموزش ناقص قبل از ازدواج و عدم استقلال مالی زوجین
۳۹	اصغری (۱۳۹۷)	روش: پیمایشی جامعه: مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های گناباد با درخواست طلاق و زوج‌های عادی نمونه: ۳۰ زوج متقاضی طلاق (نمونه‌گیری با روش گلوله‌برفی و عادی تصادفی ساده)	دگرگونی ارزش‌ها: (ارزش‌های مادی به‌جای ارزش‌های فرامادی) در ارزش‌های نظری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی و لذت‌جویی

N	نویسندگان	روش تحقیق	علل مطرح‌شده به عنوان پیش‌بین در طلاق
۴۰	کفاشی، سرآبادانی (۱۳۹۳)	روش: پیمایشی (توصیفی و تبیینی) جامعه: زنان متأهل منطقه ۱ شهر قم (۹۲۷۵۹ نفر) نمونه: ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن شاغل و ۲۰۰ زن خانه‌دار) ابزار: پرسشنامه	برآورده نشدن انتظارات زوجین
۴۱	نعیمی (۱۳۹۰)	روش: پیمایشی مقطعی جامعه: کلیه زوجین (در دو ماهه اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۹) شهر گرگان با دادخواست طلاق و در حال طلاق نمونه: ۶۶ مرد و ۷۵ زن در حال طلاق (با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده) ابزار: پرسشنامه	نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای و قوت‌یافتن ارزش‌های مدرنی همچون مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کامیابی به هر قیمتی

در جمع‌بندی یافته‌ها، بیشترین روش مورد استفاده، از نوع کیفی (مروری، تئوری- زمینه‌ای، تحلیل محتوا و فراتحلیلی) با ۱۳ مقاله و روش پیمایشی با ۱۲ مقاله است. همچنین ۷ مورد همبستگی، ۶ مورد توصیفی- تحلیلی و ۳ تحقیق، از روش علی- مقایسه‌ای سود جسته‌اند. عمده شرکت‌کنندگان در مقالات، متقاضیان طلاق، زنان دارای پرونده در دادگاه‌ها یا مراکز مشاوره بودند.

عوامل دخیل در طلاق براساس فاکتورهای به‌دست‌آمده از مقالات را می‌توان به صورت دقیق‌تری تقسیم کرد. در جدول شماره ۲، به این دو دسته عوامل کلی و خردتر اشاره شده است.

جدول شماره ۲: عوامل کلی و خرد طلاق

عوامل کلی طلاق	عوامل خردتر پیش‌بین طلاق	
فردی	شخصیتی	مبتلایان به اختلالات عاطفی و روانی؛ اختلال اجتنابی، وابسته، وسواسی جبرانی، شخصیت مرزی و ضد اجتماعی، افسردگی و اختلال در عملکرد اجتماعی، اجتناب شناختی بالا (واپس‌رانی افکار، جانشینی افکار، حواس‌پرتی، اجتناب از موقعیت)، باور فراشناختی بالا (فکرکردن به تفکر خود، آگاهی و نظارت بر یک فکر)، سبک دلبستگی، مشکلات تمایزنایافتگی، عزت نفس پایین، از خودگذشتگی و اجازه سواستفاده دادن به دیگران برای به‌دست‌آوردن اطمینان خاطر و پذیرفتن تقصیرات و در نتیجه، انزواطلبی.
	شخصی	عدم ابراز عشق و احساسات، دلایل ازدواج (استیصال، تنهایی، رابطه جنسی)، عدم مسؤلیت‌پذیری، ضعف خودآگاهی، شوهر غیر اجتماعی، شک و عدم صداقت، ضعف پایبندی به مذهب، عدم بلوغ اجتماعی، فقدان روحیه از خودگذشتگی، نداشتن فهم کافی از دنیای مردانه و ماهیت زندگی زناشویی، ضرب و شتم، خشونت، عدم رعایت اصول اخلاقی: دروغگویی، ناسزا، فخرفروشی، چشم و همچشمی، اعتماد کم نسبت به همسر، توقعات بی‌جا، نگرش فرد از پیامدهای طلاق، عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی.
	جمعیت شناختی	سن زنان، تعداد فرزندان، سن ازدواج (ازدواج در سن پایین)، مدت ازدواج (۵ سال اول)، میزان تحصیلات، تفاوت سن، سواد و درآمد
	جسمی	اعتیاد، استفاده از مشروبات الکلی، ناباروری یکی از زوجین، داشتن بیماری خاص، بیماری مستمر زن یا مرد، مشکلات جنسی

فرهنگی- اجتماعی	فرهنگی		نبود فرهنگ استفاده از مشاوره و گفتگو بین اعضای خانواده، دیدگاه آنان نسبت به خشونت، اشتغال زنان و کاهش زمان با هم بودن زوجین، جهانی‌شدن و پیامدهای مدرنیته مثل فردگرایی، ظهور عشق‌های رمانتیک، تغییر نقش‌های سنتی، نگاه‌های جدید به نقش زن و مرد، تغییر سبک زندگی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی- دینی، رواج نسبیت‌گرایی در اصول اخلاقی و مذهبی، کم‌شدن وفاداری و تقید زن و مرد به خانواده، کم‌شدن غیرت برای مردان و حیا برای زنان، نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن)، دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی، تأثیر منفی رسانه‌ها و نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای در قوت بخشیدن به ارزش‌های مدرنی همچون (مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود)، توسعه شهرنشینی و وجود مؤلفه‌های مدرن جامعه‌شهری، افزایش جرم و جنایت، عدم کفویت زوجین در زمینه‌های مختلف.
	اجتماعی	کلی (خارج از خانواده) یا غیرزوجینی	ازدواج‌های تحمیلی و سرسری (بدون برنامه‌ریزی و شناخت)، فرزندپروری استبدادی، نبودن آموزش‌های مناسب قبل از ازدواج، دخالت اطرافیان، روابط جنسی خارج از سیستم خانواده، ارتکاب جرم، تغییر در نقش‌های جنسیتی، ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر، سابقه طلاق در خانواده زوجین، نوع و شیوه ازدواج (غریبه، دوستی، فامیلی، همسر دوم، پنهانی، غیابی، اجباری، انتخابی)، نگرش مثبت به طلاق، معاشرت با افراد ناباب آشکارا و پنهان، عدم همسانی در ازدواج، تشریفات ازدواج، سرعت در برگزاری مراسم ازدواج
		بین زوجینی	تعارض‌های فکری، عدم تفاهم، آشناشدن زنان به حقوقشان، تفاوت عقاید بالا (از جمله اختلاف در مذهب)، عدم شناخت از احساسات و عقاید دیگری در شروع زندگی، عدم شناخت‌کافی زوجین از یکدیگر قبل از ازدواج، عدم درک تفاوت‌ها، غفلت از خواست‌های همسر، وجود برخی باورهای غلط (مثل توهم همسرآرمانی، زندگی زناشویی رؤیایی، باور غلط در مورد عشق و معنای زندگی)، عدم درک متقابل، استنادهای منفی به رفتارهای همدیگر، اعتقاد به برابری زن و مرد در دیدگاه زنان و تأکید مردان بر لزوم بالاتر بودن جایگاه مرد در خانواده. (شناختی)
			تنفر زوج از زوجه، نارضایتی یا رضایت پایین از روابط جنسی، ارضانشدن نیازهای عاطفی، عدم تعلق خاطر زن و مرد به همدیگر، عدم برآورده‌شدن انتظارات، توقعات نابجا و بی‌اعتمادی به همدیگر. (عاطفی)
			عدم ابراز محبت، عدم تمکین، سرباززدن از پذیرش مسؤلیت‌ها و نقش‌های زناشویی، نبود تفاهم اخلاقی، الگوهای ناکارآمد ارتباطی زوجین (اجتناب متقابل و توقع/ کناره‌گیر)، مشکلات تصمیم‌گیری در تربیت فرزند، اوقات فراغت، روابط با والدین، عدم احترام، مشاجرات لفظی، ناتوانی در ایجاد فضای آرام، نبرد قدرت، خشونت خانگی، کاهش همکاری بین آنها و مشکلات مهارتی: عدم مهارت در انتخاب شریک زندگی، نبود آمادگی برای ورود به زندگی زناشویی، عدم توانایی حل اختلاف و تعارض، عدم مهارت‌های زندگی و ارتباطی، ناسازگاری شخصی و خانوادگی، فقدان مهارت جنسی. (رفتاری)

قانونی	حق حبس مرد به دلیل عدم پرداخت مهریه و قانون عدم ایفای نقش زن در صورت تسلیم نشدن مهریه.
اقتصادی	بیکاری و بی‌ثباتی شغلی، تورم، فقر، کسب درآمد از مسیرهای نادرست، وابستگی مالی به خانواده‌ها، مدیریت نامناسب منابع مالی، مهریه بالای زنان، عدم پرداخت نفقه، استقلال مالی زنان و کم‌شدن نقش اقتصادی مرد، نداشتن مسکن، ورشکستگی و بدهکاری، جداکردن امور مالی از یکدیگر.
موقعیتی	خوشگذرانی‌های نامشروع، ازدواج زودهنگام و بی‌تدبیری در امر زناشویی، ازدواج در زمان نامناسب (شرایط اضطراب‌آور خانوادگی، ترس از بالا رفتن سن، رهایی از مشکلات و فشارهای خانوادگی)، روابط جنسی خارج از سیستم خانواده، خیانت.

با توجه به مقالات استخراج شده، از میان عوامل متعدد دخیل در طلاق، عامل فرهنگی و بین زوجی، در اظهارات افراد درگیر در طلاق از بیشترین فراوانی برخوردار است. عامل بین زوجی نزدیک‌ترین و واضح‌ترین علت برای طلاق از سوی مراجعین و متقاضیان این پدیده مطرح شده و عامل فرهنگی نیز از سوی کارشناسان امر به عنوان ریشه و منشأ آن معرفی شده است. با دقت در مؤلفه‌های شناختی و عاطفی بین زوجی که براساس علیت حلقوی، مقدمات مؤلفه رفتاری محسوب می‌شود، رگه‌هایی از عامل فرهنگی به‌خوبی نمایان است. در مرتبه بعد، عامل اقتصادی قراردارد که می‌تواند سرمنشأ عوامل دیگری باشد. کمترین عامل، عامل قانونی است که نشانگر آن است که در ایران، قانون در ایجاد این پدیده چندان دخیل و درگیر نبوده و باید عامل آن را در جای دیگری جستجو کرد. عامل موقعیتی نیز در خانواده‌های کمتری پدیدآورنده طلاق بوده است.

براساس علل متعدد گردآوری‌شده، لازم است این موارد را به صورت یکپارچه سازماندهی کرد تا بتوان آنها را مورد تفسیر و تحلیل قرار داد. بدین‌منظور، این عوامل در قالب علل فردی، فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی و موقعیتی تفکیک شد. در عامل فردی، عوامل شخصیتی (اختلالات)، شخصی (ویژگی‌های اخلاقی، تربیتی خاص افراد)، جمعیت‌شناختی و جسمی آمده و در علل فرهنگی—اجتماعی نیز موضوع فرهنگ، مستقل از مسئله اجتماعی بیان شده است. علل اجتماعی با دو دسته مسائل اجتماعی؛ خارج از روابط بین زوجی و چالش‌ها و مشکلات فیمابینی، در سه حیطه رفتاری، شناختی و عاطفی- هیجانی آورده شده است. سپس عوامل قانونی و اقتصادی و در نهایت، مباحث موقعیتی (شرایط و موقعیتی خاص) مطرح شده است.

بحث

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مهم‌ترین عوامل طلاق با مرور سیستماتیک است. پدیده طلاق نه تنها چندبعدی بوده و عوامل بسیاری در آن دخیل هستند، بلکه بین آن عوامل نیز روابط بسیار پیچیده‌ای حاکم است. بنابراین نمی‌توان عامل خاصی را برای طلاق مطرح کرد. به نظر می‌رسد از میان مجموعه عوامل، موضوع فرهنگ، عاملی ریشه‌ای بوده و تا حدی می‌توان بقیه عوامل را شاخه‌های این عامل در نظرگرفت و عامل بین زوجینی نیز به عنوان علت اخیره و یا به تعبیری، آشکارکننده طلاق تلقی کرد.

فرهنگ، مجموعه کاملی از ویژگی‌های خاص روانی و جسمانی، فکری و عاطفی در یک جامعه یا گروهی انسانی است. فرهنگ، علاوه بر هنر و ادبیات، شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی اشخاص، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را در برمی‌گیرد (یونسکو[1]، ۱۹۸۲؛ ر.ک: فاضلی ۱۳۷۶ و یونسکو، ۱۳۷۶). این تعریف، دو موضوع را آشکار می‌سازد: نخست آنکه فرهنگ، یک تمایل فردی نیست؛ بلکه اساساً امری اجتماعی است و دوم آن که، شامل تمامی فعالیت‌هایی می‌شود که به واسطه آنها یک جامعه، خود را تعریف کرده و هویت می‌یابد.

فرهنگ از طریق کنش‌های اجتماعی افراد ساخته می‌شود، اما پس از ایجاد، از محدوده این کنش‌ها فراتر رفته و بر شکل‌گیری این کنش‌ها تأثیر می‌گذارد و افراد با استفاده از آنها، به تجربه، توصیف، تفسیر و ارزیابی هستی و زندگی اجتماعی خود و دیگران می‌پردازند. این مجموعه الگوها، در جریان کنش‌های کنشگران، همواره بازتولید و بازتفسیر می‌شوند و از رهگذر همین کنش‌ها در طول زمان تغییر می‌یابند (اجتهدنژاد کاشانی و اجلالی، ۱۳۹۳). از این رو، «فرهنگ» عبارت است از کلیه ساخته‌ها، پرداخته‌ها، اندوخته‌ها، آداب و رسوم، مقررات، عقاید، هنرها و دانستن‌های عامه یک قوم یا ملت که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. (افشاری، ۱۳۹۵)

پس فرهنگ، حاکم بر جامعه بوده و معنابخش روابط و تصمیمات افراد آن جامعه است و پدیدآیی، چگونگی و استمرار پدیده‌های اجتماعی وابسته به آن است (بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۹۴). این معضل پیچیده و چندبعدی نیز در خلأ ایجاد نمی‌شود، بلکه وابسته به بافت و

1. Unesco

فرهنگی است که در آن رخ داده است. تحولات فرهنگی نیز مؤثرترین و وسیع‌ترین تحول است که طی آن، باورها و اعتقادات افراد تغییر کرده و همین تغییر، در ارزش‌ها و هنجارها و به دنبال آن‌ها، تغییراتی در رفتارها و سمبل‌ها، نگرش‌ها و هویت افراد را موجب می‌گردد.

عوامل فرهنگی، به عنوان اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عوامل دخیل در طلاق به‌شمار می‌روند. در برخی مقالات، به فرهنگ و مسائل فرهنگی توجه شایانی شده و آن را مؤثرترین عامل دانسته‌اند تا حدی که چندین مقاله، به طور مستقل و به‌صورت خاص، به بررسی این مقوله اقدام کرده‌اند (زارعان، ۱۳۹۶؛ نازک تبار،۱۳۹۰؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ اصغری، ۱۳۹۷؛ نعیمی،۱۳۹۰؛ نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۲؛ زارعی و میردریکوندی، ۱۳۹۵؛ اسکندری و درودی، ۱۳۹۵؛ بحرانی، ۱۳۹۲؛ گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۶؛ اصغری، ۱۳۹۷و حسنی و همکاران، ۱۳۹۶) و در برخی دیگر از مقالات این موضوع از مهم‌ترین عوامل معرفی شده است (فولادی و نعمتی‌گاوگانی، ۱۳۹۴؛ حاجیان‌مقدم، ۱۳۹۳؛ صباغی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نازک تبار و همکاران، ۱۳۹۰و طاهری و همکاران، ۱۳۹۷).

عامل جهانی‌شدن و مدرنیته در برخی تحقیقات، پایه بسیاری از تغییرات فرهنگی در جوامع امروزی قلمداد شده است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ بحرانی، ۱۳۹۲ و حسنی و همکاران، ۱۳۹۶). مدرنیته، شیوه‌ای نو در حوزه‌های مختلف زندگی انسان است که با ارائه سبک جدیدی از زندگی، تحولی فراگیر را در جامعه به ارمغان آورده است (عبدالعالی، ۱۳۹۷). این عامل فرهنگی، دارای مؤلفه‌هایی است که شامل مواردی مثل فردگرایی(عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۵، حسنی و همکاران، ۱۳۹۶و گیتی‌پسند و همکاران،۱۳۹۴)، رواج نسبیت‌گرایی در اصول اخلاقی و مذهبی (بانکی پورفرد و همکاران، ۱۳۹۴)، مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود (نعیمی،۱۳۹۰؛ زارعی و میردریکوندی، ۱۳۹۵؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۶و بحرانی، ۱۳۹۲)، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی(محمدی، ۱۳۹۶)، عدم پایبندی فرد و خانواده به آنها، تغییر نگرش نسبت به ازدواج، آرمان‌زدگی و... است (بانکی پورفرد و همکاران،۱۳۹۴).

این سبک نو از زندگی، به نوبه خود، تغییراتی از جنس آسیب در ساختار، فرهنگ و نوع روابط در خانواده را موجب شده است. برخی از آسیب‌هایی که به عنوان عوامل طلاق در تحقیقات کارشناسان مطرح شده است، عبارتند از: افزایش سطح انتظارات مادی و غیرمادی، اختلاط ناسالم

زن و مرد و روابط آزاد با جنس مخالف، تغییر در الگوی مصرف و فرهنگ اقتصادی خانواده، کم‌توجهی نسبت به کسب مهارت‌های زندگی (بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۹۴)، ضعف پایبندی به مذهب (زارعی و میردریکوندی، ۱۳۹۵؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۵ و بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۹۴) و عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، انحرافات و نارضایتی جنسی و نیز توسعه شهرنشینی (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کلانتری و همکاران،۱۳۹۰؛ صادقی، ۱۳۹۵ و بحرانی،۱۳۹۲). در کنار این عوامل و عوارض، سست‌شدن بنیان خانواده (فولادی و نعمتی‌گاوگانی، ۱۳۹۴)، تغییر نقش‌های سنتی (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ بحرانی،۱۳۹۲ و گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)، نیز مطرح شده و این تغییرات به سهم خود مسائلی همچون کم‌شدن وفاداری و تقید زن و مرد به خانواده، غیرت برای مردان و حیا برای زنان، افزایش روابط خارج از چارچوب ازدواج (بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۹۴) و ظهور عشق‌های رمانتیک (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴)، را در پی خواهد داشت.

در این میان، خرده فرهنگ‌هایی نیز تأثیرگذارند که: نبود فرهنگ مشاوره، (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰)، دیدگاه آنان نسبت به خشونت (جاویدانی، ۱۳۹۳) و میزان مهریه (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰ و علی‌مندگاری و رازقی، ۱۳۹۵)، وجود سنت‌های غلط در خصوص ازدواج و زندگی زناشویی (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴) از آن جمله اند.

فضای مجازی، ماهواره‌ها و رسانه‌ها (صباغی و همکاران، ۱۳۹۶، نعیمی، ۱۳۹۰؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۶ و بحرانی، ۱۳۹۲) و دخالت فضای سایبری در روابط زناشویی (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷و محمدی، ۱۳۹۶) نیز در تسریع مدرنیته نقش دارند. ماهواره به‌عنوان یک رسانه، قادر است ارزش‌های فردی اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار داده و معیارها و استانداردهای مرتبط با مسائل زندگی را متزلزل سازد. (صالح، ۱۳۹۱)

برخی از این تحولات فرهنگی را می‌توان عوامل سطحی طلاق در نظرگرفت، ولی برخی دیگر به صورت ریشه‌ای و عمقی از عوامل طلاق محسوب می‌شوند. تغییرات ارزشی، مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کم‌رنگ‌شدن سنت‌ها، عامل اصلی و ریشه‌ای برخی تغییرات در طلاق است؛ هرچند بررسی چگونگی تأثیر، نیازمند تحقیقات کارشناسانه عمقی و دقیق جامعه‌شناختی است.

مسائل فیمابینی زوجین در تحقق طلاق تأثیر بسزایی دارد که می‌توان آن را در سه حیطه شناختی، هیجانی و رفتاری مطرح کرد:

شناختی: تعارض‌های فکری و اختلاف‌نظر، عدم تفاهم (فولادی وهمکاران، ۱۳۹۴؛ محمدپناه و شیرزاد،۱۳۹۳؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱و حسنی و همکاران، ۱۳۹۶)، اختلاف در مذهب (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴)، آشناشدن زنان به حقوقشان (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴ و اسحاقی، ۱۳۹۴)، تفاوت عقاید بالا (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷)، ناآگاهی طرفین از احساسات و عقاید دیگری در شروع زندگی (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷و محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳)، عدم شناخت‌کافی زوجین از یکدیگر قبل از ازدواج (اسحاقی، ۱۳۹۴و کریمی، ۱۳۹۴)، عدم‌درک تفاوت‌ها (اسحاقی، ۱۳۹۴و کریمی، ۱۳۹۴)، غفلت از خواسته‌های همسر (احمدی، ۱۳۹۶)، باورها و پندارهای غیرواقعی از زندگی زناشویی (توهم همسرآرمانی، زندگی زناشویی رویایی) (شکربیگی و همکاران، ۱۳۹۵و گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)، عدم درک متقابل (صباغی و همکاران، ۱۳۹۶)، باورهای غلط در مورد عشق و رابطه‌زناشویی، استنادهای منفی به رفتارهای همدیگر، اعتقاد به برابری زن و مرد در دیدگاه زنان و تأکید مردان بر لزوم بالاتر بودن جایگاه مرد در خانواده. (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)

عاطفی: تنفر زوج از زوجه (کراهت زوج) (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴و ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۳)، عدم رضایت یا میزان پایین از روابط جنسی (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰، طاهری و همکاران، ۱۳۹۷، رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴؛ ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۳؛ رضائیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ اسکندری و درودی، ۱۳۹۵و کریمی، ۱۳۹۴)، عدم رضایت از زندگی (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲)، ارضانشدن نیازهای عاطفی (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲و رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴)، عدم تعلق خاطر زن و مرد به همدیگر (کریمی، ۱۳۹۴)، عدم برآورده‌شدن انتظارات (کفاشی و سرآبادی، ۱۳۹۳، رضادوست و همکاران، ۱۳۹۵و کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰)، توقعات نابجای زوجین از یکدیگر (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴ و یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱)، اختلاف سلیقه بین زوجین (اسحاقی، ۱۳۹۴و کریمی، ۱۳۹۴)، بی‌اعتمادی زوجین به همدیگر (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰).

رفتاری: عدم ابراز محبت و علاقه (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴و محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳)، عدم تمکین (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴)، سرباززدن از پذیرش مسؤلیت‌ها و نقش‌های زناشویی (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)، عدم تفاهم اخلاقی (محمدپناه و شیرزاد، ۱۳۹۳و یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱)، الگوهای

ناکارآمد ارتباطی زوجین (الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و توقع کناره‌گیر) (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۶)، عدم احترام (صباغی و همکاران، ۱۳۹۶)، مشاجرات لفظی (صباغی و همکاران، ۱۳۹۶و کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵)، بی‌توجهی به نیازهای همسر (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)، ناتوانی در ایجاد فضای آرام، نبرد قدرت. (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)

عدم وجود برخی مهارت‌ها: ناتوانایی در حل اختلاف، نداشتن مهارت‌های زندگی و ارتباط مؤثر (هنریان و یونسی،۱۳۹۰، رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۵؛ یوسفی‌افراشته و همکاران،۱۳۹۱؛ اسکندری و درودی، ۱۳۹۵؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰ و زارعان، ۱۳۹۶)، (زارعان این عامل را حدود ۴۰٪ در امر طلاق اثرگذار می‌داند)، ناسازگاری شخصی و خانوادگی (احمدی، ۱۳۹۶)، عدم همدلی (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰)، عدم مهارت در انتخاب شریک زندگی (بانکی‌پورفرد و همکاران،۱۳۹۴)، نداشتن مهارت جنسی (بانکی‌پورفرد و همکاران،۱۳۹۴)، مشکلات تصمیم‌گیری (تربیت فرزند، اوقات فراغت، روابط با والدین). (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۴)

تحقیقات نشان داده است که فرهنگ در چگونگی روابط بین اعضای خانواده تأثیردارد و تفاوت‌های فرهنگی تا حدود زیادی تعیین‌کننده نوع روابط بین اعضای خانواده است و به عنوان بخش مکمل و یکپارچه ازدواج تلقی می‌شود. در پژوهش اروین[1] (۲۰۰۸)، مشخص شد که فرهنگ، همبستگی معناداری با روابط اعضا در خانواده دارد. از نظر پائولا[2] (۲۰۰۸) نیز تنش‌های فرهنگی، عامل بی‌ثباتی در میان خانواده‌ها است.

در کنار مسائل فرهنگی و بینابینی زوجی، عوامل اقتصادی (علی‌مندگاری و رازقی، ۱۳۹۵؛ رازقی، ۱۳۹۴؛ اسحاقی، ۱۳۹۴؛ بحرانی، ۱۳۹۲؛ کریمی، ۱۳۹۴؛ نازک تبار و حبیب‌پور، ۱۳۹۰؛ صادقی، ۱۳۹۵؛ کریمی، ۱۳۹۴؛ فولادی و نعمتی، ۱۳۹۴ و طاهری و همکاران، ۱۳۹۷) و قانونی (اسحاقی، ۱۳۹۴و کریمی، ۱۳۹۴) نیز به نحوی از فرهنگ تأثیر می پذیرند. عوامل دیگر همچون جسمی، موقعیتی، شخصی و شخصیتی محل بحث و بررسی است از جمله اینکه شخصیت‌هایی مانند شخصیت خوشه C،

1. Erwin.
2. Paula.

اختلال اجتنابی، اختلال شخصیت وابسته، اختلال شخصیت وسواسی- جبری (بیرامی و جمالی، ۱۳۹۰) و شخصیت ضد اجتماعی و مرزی (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴) متأثر از فرهنگ است. به نظر می‌رسد که با توجه به تأثیرپذیری خانواده از فرهنگ و تأثیرپذیری شخص از خانواده اصلی، شکل‌گیری شخصیت‌ها با اثرپذیری از فرهنگ، در پدیدآیی طلاق مؤثرند که این مسئله، نیازمند تحقیق مستقل و بررسی بیشتر است.

با تقسیم‌بندی دیگری، می‌توان جایگاه هر کدام از عوامل را از بین شواهد تحقیقاتی موجود، به شکل بهتری مشخص کرد و آن، تقسیم عوامل به مقوّم[۱]، آشکارکننده[۲] و تداوم‌بخش[۳] است. عوامل مقوّم، زمینه آسیب‌پذیری افراد در برابر حوادث را فراهم می‌سازد. عوامل آشکارساز، عللی است که باعث می‌شوند آسیب‌پذیری افراد فعال شود و عوامل تداوم بخش، موجب نگهداری آسیب‌پذیری شده و به پیشروی آن کمک می‌کند.

با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ، به نظرمی‌رسد بتوان عوامل فرهنگی را از نوع عوامل مقوم قلمداد کرد. در واقع، خانواده نهادی است که افراد آن، این دگرگونی‌های گسترده را در باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، انتظارات، اهداف، نگرش‌ها و هویت و... تجربه می‌کنند و این زیربناها در غالب موارد، از فرهنگ حاکم بر جامعه نشأت گرفته است. زوجینی که خانواده جدید تأسیس می‌کنند، هرکدام حامل مؤلفه‌های خاص فرهنگی هستند. تغییر در فرهنگ جامعه، موجب تغییرات در افراد (شخصی و شخصیتی) می‌شود و این تغییرات، آمادگی برای طلاق را در آنها ایجاد می‌کند. اما عواملی مثل روابط نادرست بین زوجینی و اقتصادی، موقعیتی از نوع آشکارساز بوده که افراد مختلف در قبال آن، واکنش‌های مختلفی از خود بروز می‌دهند و در نهایت، قوانین و عوامل موقعیتی را تداوم‌بخش آن دانسته، به نحوی که درمان، مانع دست‌کشیدن از طلاق شده و در به‌نتیجه‌رسیدن زوجین به طلاق کمک می‌کنند.

با توجه به این تقسیم‌بندی، می‌توان دریافت که چگونه این سه دسته عامل در کنار هم باعث طلاق و جدایی بین زوجین می‌شوند. اما در هرحال، اگر عوامل زمینه‌ای اصلاح شود،

۱. زمینه‌ای یا مستعدکننده
۲. شروع‌کننده
۳. به نتیجه‌رساننده یا نگهدارنده

دیگر نوبت به مرحله آشکار شدن و تداوم آن نمی‌رسد یا حداقل این پدیده با سیر کندتری پیشرفته و امید اصلاح آن بیشتر می‌شود. پس لازم است که مسئولان امر به عوامل زمینه‌ساز توجه بیشتری کرده و در راستای برطرف‌کردن آنها گام بردارند.

نتیجه‌گیری

پدیده خطرناک و پیچیده طلاق، زیان‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند. این پدیده، دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و اضلاع جامعه انسانی است. در این مطالعه مشخص شد که پژوهشگران طی ۴۱ مقاله، عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت‌شناختی و جسمی)، فرهنگی- اجتماعی (فرهنگی، اجتماعی و بین‌زوجی)، اقتصادی، قانونی و موقعیتی را در پدیدآیی طلاق شناسایی کرده‌اند. این تحقیق با روش سیستماتیک، به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج تحقیقات انجام‌شده درباره علل و عوامل طلاق به رشته تحریر درآمده است. با بررسی عوامل متعدد براساس یافته‌های پژوهش حاضر، مشخص شد که تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام و ساختار خانواده را با چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و مختلفی مواجه ساخته است. در جامعه ایران نیز با توجه به آمادگی‌های درونی، این تغییرات مزید علت شده و باعث افزایش روزافزون پدیده طلاق گردیده است. در واقع، این معضل پیچیده و چندبعدی در خلأ پدیدار نشده؛ بلکه وابسته به بافت و فرهنگی است که در آن رخ داده است.

فرهنگ و در کنار آن ویژگی‌های شخصی و شخصیتی برگرفته از فرهنگ، به عنوان عوامل مستعدکننده طلاق، در رأس علل پدیدآورنده این معضل اجتماعی به‌شمار می‌آید. بنابراین می‌توان با اصلاح این عوامل زمینه‌ای، سیر پیشرفت طلاق را با کندی مواجه ساخته و امید به پایداری و ثبات در زندگی زناشویی را بالا برد. عواملی همچون روابط نادرست بین زوجینی و اقتصاد، از نوع آشکارساز بوده و افراد مختلف در مقابل آن، واکنش‌های مختلفی از خود بروز می‌دهند. همچنین قوانین و عوامل موقعیتی را تداوم‌بخش آن دانسته است به نحوی که مانع دست‌کشیدن از طلاق شده و در به‌نتیجه‌رساندن زوجین به طلاق یاری‌رسان است. بنابراین

مسئولان امر باید توجه خود را به عوامل زمینه‌ای معطوف ساخته و در پی شکل‌گیری فرهنگی اسلامی برآیند تا در سایه این فرهنگ غنی، مشکلات مربوط به خانواده از جمله طلاق حل شوند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان دو دسته پیشنهاد، برای پژوهشگران و مسؤلان فرهنگی (مداخله‌ای) مطرح کرد: پژوهشگران پدیده طلاق را در تمامی حیطه‌های علمی، روان‌شناختی، حقوقی، دینی و جامعه‌شناختی و... با درنظرگرفتن تأثیرات فرهنگ، مورد مطالعه قرار دهند؛ و مسئولان نیز با برنامه‌ریزی اساسی در راستای گسترش معارف و باورهای مذهبی در جامعه از دوران کودکی، به نوعی ایمن‌سازی پرداخته و با پذیرش فرهنگ بومی و گسترش فرهنگ غنی اسلامی ایرانی و ایجاد سبک زندگی اسلامی، در مقابل فرهنگ برخاسته از غرب (مدرنیته و پیامدهای آن) فرهنگ‌سازی کنند تا با استفاده از این ذخیره راهبردی، مانع از بروز اختلافات گسترده در خانواده‌ها شود. دینداری و پایبندی به آموزه‌های دینی با تقویت خودمهارگری و خودکنترلی برخاسته از تقوا، می تواند مانع شکل‌گیری عوامل سطحی‌تر طلاق از جمله برخی از مشکلات اخلاقی همچون پرخاشگری، ضرب و شتم، تحقیر، چشم و هم‌چشمی و بسیاری دیگر از رذائل اخلاقی گردد. لازم است آگاهی افراد جامعه را نسبت به نظام حقوقی، اخلاقی و تربیتی خانواده، مبتنی بر اصول و مبانی فرهنگ اسلامی- ایرانی ارتقاء یابد. همچنین باید مهارت‌های زندگی اعضای خانواده براساس آموزه‌های اسلامی- ایرانی و نیز سواد رسانه‌ای آموزش داده شود.

فهرست منابع:

کتاب

۱. ایوت، والچاک (۱۳٦٦ش)، *طلاق از دید فرزند*، مترجم: فرزانه طاهری، تهران: انتشارات نشر مرکز.

۲. صالح، نزیهه (۱۳۹۱ش)، «تأثیر رسانه‌های گروهی بر خانواده»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷ش)، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۴. یونسکو (۱۳۷۶ش)، توسعه در بستر فرهنگ، مترجم: نعمت‌الله و محمد فاضلی، تهران: مرکز بنیادی.

مقاله

۱. اجتهدنژاد کاشانی، سیدسالار و پرویزاجلالی، حسین (۱۳۹۳ش)، «*کندوکاوِنظری*- مفهومی درباره توسعه‌فرهنگی از منظر جامعه‌شناسی»، فصلنامه *علوم اجتماعی*، دوره ۲۱، ش۶۴، ص۳۵- ۷۲.

۲. احمدی، امیدعلی (۱۳۹۶ش)، «گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۱، ش۳، ص۳۳- ۵۴.

۳. اسحاقی، زهرا (۱۳۹۴ش)، «بررسی علل و عوامل طلاق در جامعه و تأثیر مخرب آن بر بانوان»، *پژوهش ملل*، دوره ۱، ش ۱، ص۶- ۱۵.

۴. اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده‌فاطمه؛ پروین، ستار و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱ش)، «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بردرخواست طلاق زنان در شهر تهران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ش۳۸، ص۹۷- ۱۲۴.

۵. اسکندری، حسین و درودی، حمید (۱۳۹۵ش)، « بررسی ارتباط میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ش۳۳، ص۱۳۳- ۱۵۰.

۶. اصغری، بی بی اقدس (۱۳۹۷ش)، «بررسی مقایسه‌ای نظام ارزشی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهرستان گناباد»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، سال ۱۳ ش۴۹، ص۵۱- ۷۸.

۷. بانکی‌پورفرد، امیرحسین؛ قلی‌زاده، آذر و مسعودی‌نیا، زهرا (۱۳۹۴ش)، «مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق»، *جامعه شناسی کاربردی*، دوره ۲۹، ش ۵۷، ص ۳۹- ۶۴.

۸. بحرانی، محمود (۱۳۹۲ش)، «تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی طی پنج دهه‌گذشته»، جمعیت، سال ۲۰، ش ۸۵ و ۸۶، ص۴۳- ۵۶.

۹. بشلیده، کیومرث و یوسفی، ناصر (۱۳۹۰ش)، «خوش‌بینی- بدبینی و باورهای مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق»، *مشاوره کاربردی*، دوره ۱، ش۲، ص۷۳- ۹۶.

۱۰. بیرامی، منصور و جلالی، ماندانا (۱۳۹۰ش)، «مقایسه اختلالات شخصیت خوشه c در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی»، *زن و مطالعات خانواده*، دوره ۴، ش۱۴، ص۸۵- ۱۰۱.

۱۱. جاویدانی، نیره (۱۳۹۳ش)، «بررسی علل طلاق از سوی زنان متقاضی در شهر همدان»، *پلیس زن*، ش۲۰، ص۶۳- ۸۴.

۱۲. حاجیان‌مقدم، فاطمه (۱۳۹۳ش)، «فراتحلیل خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی»، *پژوهش نامه زنان*، سال ۵، دوره ۵، ش۱، ص۱-۳۹.

۱۳. حسنی، محمدرضا؛ هدایتی، منصوره و محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۶ش)، «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴»، پژوهش نامه زنان ۱۳۸۲-۱۳۹۴، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۱، ش۳، ص ۱۲۶- ۱۵۱.

۱۴. رضادوست، کریم؛ شهریاری، مرضیه؛ نبوی، سیدعبدالحسین و مجتهدزاده، سحر (۱۳۹۵ش)، «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجه به طلاق»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ۵، ش۲۰، ص۲۸۱- ۲۹۵.

۱۵. رضایی، وحید؛ محمدحسین، فلاح و وزیری، سعید (۱۳۹۷ش)، «بررسی علل طلاق به شیوه تحلیل روایی در شهرستان یزد و طراحی آموزش پیش‌نیازهای زوجیت مبتنی بر علل طلاق با رویکرد یادگیری فعال و با محوریت خانواده، مدرسه و دانش‌آموز»، *روش‌ها و مدل‌های روان شناختی*، دوره ۹، ش۳۲، ص۲۵- ۴۰.

۱۶. رضائیان، حمیدرضا؛ معصومی، سمیرا و حسینیان، سیمین (۱۳۹۶ش)، «بررسی مقایسه تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت‌جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی»، *مشاوره کاربردی*، دروه ۷، ش ۱۴، ص ۱۷-۳۲.

۱۷. رازقی، نادر و اسلامی، اصلی (۱۳۹۴ش)، «مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده»، *فرهنگی تربیت زنان و خانواده*، دوره ۱۰، ش۳۲، ص۵۳- ۷۲.

۱۸. زارعان، منصوره (۱۳۹۶ش)،« فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت‌شده در دهه اخیر)»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۶، ش۶۱، ص۱۳۴- ۱۶۲.

۱۹. زارعی‌توپخانه، محمد و میردریکوندی، رحیم (۱۳۹۵ش)، «بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با طلاق»، *روان‌شناسی و دین*، ش۳۴، ص۱۱۱-۱۲۶.

۲۰. زاهد، سعید (۱۳۸۴ش)، «انگارهای اجمالی با تأکید بر موانع عمده توسعه فرهنگ بومی در باب توسعه‌فرهنگی در ایران»، *راهبرد توسعه*، ش۳، ص۸۱-۹۲.

۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۹۳ش)، «عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی-اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیرتوافقی»، *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال ۸، ش۲۶، ص ۷ - ۳۸.

۲۲. شکربیگی، عالیه؛ احمدی، امیدعلی و ابراهیمی‌منش، مریم (۱۳۹۵ش)، «بازنمایی معنایی ماهیت زندگی‌زناشویی در ازدواج‌های ناموفق (رویکردی برساخت‌گرایانه)»، *زن و جامعه*، دوره ۷، ش۲، ص۶۹- ۸۷.

۲۳. صادقی، رسول (۱۳۹۵ش)، «عوامل اقتصادی.اجتماعی مؤثر بر طلاق جوانان در ایران»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره ۱۵، ش۳۲، ص۱۸۹- ۲۰۵.

۲۴. صباغی، فاطمه؛ صالحی، کیوان و مقدم‌زاده، علی (۱۳۹۶ش)، «ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۶، ش۶۲، ص۵- ۳۱.

۲۵. طاهری بنچناری، رؤیا؛ آقاجانی مرساء، حسین و کلدی، علیرضا (۱۳۹۷ش)، «واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها

و پیامدها در شهر تهران ۱۳۹۵»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش۲، ص ۱۳۹ -۱۶۴.
۲۶. عباس‌زاده، محمد؛ سعیدی‌عطایی، حامد و افشاری، زهرا (۱۳۹۴ش)، «مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق(مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان)»، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۹، ش ۹، ص ۲۵- ۴۴.
۲۷. علی‌مندگاری، ملیحه و بی‌بی‌رازقی نصرآباد، حجیه (۱۳۹۵ش)، «بسترهای اقتصادی مؤثر بر تصمیم‌گیری زوجین به طلاق؛ مطالعه موردی شهر تهران»، *پژوهش‌نامه زنان*، سال ۷، ش۳، ص۱۴۵- ۱۱۷.
۲۸. عنایت، حلیمه؛ زارع، صادق و نجفی‌اصل، عبدالله (۱۳۹۲ش)، «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری بوشهر(مقایسه دو گروه افراد طلاق‌گرفته و متأهل طلاق‌نگرفته)»، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره ۲، ش۳، ص۱ - ۳۵.
۲۹. فاتحی، ابوالقاسم، خلاصی، ابراهیم (۱۳۹۲ش)، «تحلیل ثانویه پرونده‌های طلاق در استان اصفهان سال ۱۳۸۴»، *توسعه اجتماعی*، دوره ۸، ش۱، ص۱۱۴- ۹۱.
۳۰. فولادی، اصغر، نعمتی‌گاوگانی، نویده (۱۳۹۴ش)، «بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۶، ش۲، ص ۸۹ - ۱۱۳.
۳۱. کریمی، سحر (۱۳۹۴ش)، «علل و عوامل طلاق در جامعه و جنبه‌های مختلف آن»، *پژوهش ملل*، دوره ۱، ش۱، ص۸-۱۷.
۳۲. کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰ش)، «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۴، ش ۵۳، ص ۱۲۹- ۱۶۲.
۳۳. گیتی‌پسند، زهرا؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسمعیلی، معصومه و ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۴ش)، «مولفه‌های معنای زندگی در زوجین متقاضی طلاق»، *مشاوره و روان درمانی خانواده*، دوره ۵، ش۱۷، ص۵۰-۷۹.
۳۴. محمدپناه، امیرحسین، شیرزاد، حمیدرضا (۱۳۹۳ش)، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده طلاق و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی شهر سنندج»، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، دوره ۲، ش۱، ص۷۲- ۸۲.
۳۵. محمدی، مصطفی (۱۳۹۶ش)، «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر میزان طلاق»، *مطالعات عملیات روانی*، ش۴۷، ص۸۷- ۱۰۶.
۳۶. نازک‌تبار، حسین و حبیب پورگتابی، کریم (۱۳۹۰ش)، «عوامل طلاق در استان مازندران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۴، ش۵۳، ص۸۷- ۱۲۷.
۳۷. نجفی، محمود؛ زارعی‌مته کلایی، الهه؛ بی‌طرف، مهسا و محمدی‌فر، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، «مقایسه الگوی بالینی شخصیت ضداجتماعی و مرزی در زنان متقاضی طلاق و عادی»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۴، ش۵۵، ص۹۹-۱۱۳.
۳۸. نریمانی، محمد؛ شیخ‌الاسلامی، علی؛ صمدی‌فرد، حمیدرضا و میکائیلی، نیلوفر (۱۳۹۵ش)، «نقش مولفه‌های اجتناب شناختی و باور فراشناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران»، *پژوهش های مشاوره*، دوره ۱۵، ش۵۹، ص۳۸- ۵۷.
۳۹. نصراللهی، زهرا؛ غفاری گولک، مرضیه و پروا، علی‌اکبر (۱۳۹۲ش)، «عوامل تعیین کننده طلاق در ایران با تاکید

بر عوامل اقتصادی»، *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، دوره ۱۱، ش۳۷، ص۱۶۵- ۱۸۶.
۴۰. نعیمی، محمدرضا (۱۳۹۰ش). «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)»، *جامعه شناسی مطالعات جوانان*، دوره ۱، ش۱، ص۱۹۱- ۲۱۱.
۴۱. هنریان، مسعوده و یونسی، سیدجلال (۱۳۹۰ش)، «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران»، *مطالعات روانشناسی بالینی*، دوره ۱، ش۳، ص۱۲۵- ۱۳۵.
۴۲. یوسفی افراشته، مجید؛ شمخانی، اژدر؛ صدرالاشرافی، مسعود و خنکدارطارسی، معصومه (۱۳۹۱ش)، «آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن»، *مهندسی فرهنگی*، سال ۷، ش۷۳، ص۲۶- ۵۳.

منابع لاتین:

1. Burns, A, 1984, Perceived cause of marriage breakdown and conditions of life, Journal of Marriage and the Family, v. 46, p. 551-562.
2. Cleek, M, & Pearson, T, 1985, Perceived cause of divorce: an analysis of interrelationships, Journal of Marriage and the Family, p.a 179-183.
3. Noller, P, &; et al, 1997, Cognitive and affective processes in marriage, in Halford, K. & Markham, H. (eds) Clinical Handbook of Marriage and Couples Interventions, John Wiley and Sons, Chitchester UK.
4. Paula, McAvoy (2008). «Theory and Research in Education», Journal Articles; Reports – Evaluative.